یادداشت

توسعه مکان‌محور راهکار ارتقای اقتصاد محلی

امین مقصودی
دانش‌آموخته دکترای شهرسازی دانشگاه تهران

توسعه مکان‌محور، یک رویکرد برنامه‌ریزی و توسعه است که به طور مستقیم بر ویژگی‌ها، نیازها و قابلیت‌های یک مکان خاص تمرکز دارد. به عبارت دیگر، این رویکرد به‌جای تجویز راهکارها و سیاست‌های توسعه‌ای یکسان برای همه مکان‌ها در نقاط مختلف دنیا بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و خصوصیات مکانی، می‌کوشد مؤلفه‌های بومی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر مکان و به کلامی دیگر، مؤلفه‌های منظرین آن را به شکلی ویژه مورد توجه قرار دهد. اصول کلیدی توسعه مکان‌محور عموما بر پنج اصل متمرکز است: ۱- محوریت جامعه محلی از طریق تأکید بر مشارکت فعال جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای توسعه، ۲- تأکید بر هویت مکانی و تمرکز بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگی، تاریخی و طبیعی هر مکان، ۳- توجه به اصول پایداری و تلاش برای توسعه‌ای که با محیط زیست، اقتصاد و جامعه هماهنگ باشد، ۴- انعطاف‌پذیری، سازگاری و در نظر گرفتن برنامه‌هایی که قابلیت انطباق با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را دارا باشند، ۵- توسعه اقتصاد محلی از طریق تقویت اقتصاد بومی که به ارتقای معیشت و رفاه جوامع محلی کمک می‌کند. امروزه این رویکرد در پروژه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود که از جمله آنها می‌توان به پروژه‌های بازآفرینی شهری، توسعه گردشگری پایدار و همچنین توسعه زیرساخت‌های محلی اشاره کرد. به‌کارگیری این رویکرد به طور کلی می‌تواند سبب تقویت حس مکان، بهبود اقتصاد محلی و حفظ و ارتقای فرهنگ و هویت بومی شود، اگرچه عموما با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی نیز در بسیاری از موارد روبه‌رو می‌شود.

بافت شهری

بافت شهری درواقع مجموعه‌ای از فضاهای شهری است که شامل الگوهای فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و معنایی خاصی از یک شهر به‌مثابه کل است. بافت شهری از طرف دیگر بازتابی از سازمان فضایی شهر است که به طور کلی متشکل از مجموعه‌ای از عناصر، از قبیل کل‌های کوچک (محلات)، ساختار (کوچه)، لبه (مرز شهر) و مرکز است که به‌روشنی هویت شهری را منعکس می‌کند. درحال‌حاضر برای شهرها می‌توان در نقاط مختلف آن بافت‌های متنوعی را توصیف کرد؛ از جمله بافت تاریخی که مناطقی را شامل می‌شوند که نشان‌دهنده قدمت و تاریخ یک شهر هستند، بافت جدید که نواحی شهری را که به‌تازگی توسعه یافته‌اند دربرمی‌گیرد، بافت فرسوده، مناطقی که به دلایل مختلف دچار کهنگی و ناکارآمدی شده‌اند و نیازمند اقداماتی در راستای بازسازی‌اند و بافت حاشیه‌ای و غیررسمی که به مناطقی اشاره دارد که به شکل غیرقانونی و بدون برنامه‌ریزی شهری ایجاد شده‌اند و معمولا فاقد خدمات شهری مناسب‌اند. بافت‌های شهری امروزه با چالش‌های اساسی مواجه هستند که عموما از به‌کارگیری رویکردهای توسعه‌ای غیرمکان‌مند ناشی می‌شوند. به عنوان مثال، در بافت‌های تاریخی، مشکلات زیرساختی، ترافیک و آلودگی در بافت‌های مدرن، نابرابری اجتماعی، در بافت‌های حاشیه‌ای و تغییر کاربری بازآفرینی نامتجانس در بافت‌های تاریخی، همگی از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که امروزه در بافت‌های شهری وجود دارند و نیازمند رویکردی مکان‌محور در همه ابعادند.

رودخانه

رودخانه‌ها از نظر تاریخی عاملی کلیدی در مکان‌یابی و توسعه سکونتگاه‌های انسانی بوده‌اند. به همین دلیل، شهر و رودخانه از نظر اجتماعی، فرهنگی، شهرنشینی و زیست‌محیطی همواره دارای رابطه مستقیم با یکدیگر بوده‌اند. رودخانه‌ها در شهرها، محور ادراک شهر به شمار می‌روند و کارکردهای مختلف شهری، از قبیل سازمان‌دهی فضایی و منظر شهری را برعهده دارند. علاوه‌براین، رودخانه دالانی برای مواجهه با طبیعت از نظر حسی و معنایی در شهرها به شمار می‌رود و فرصتی ارزشمند برای توسعه فعالیت‌های اوقات فراغت محسوب می‌شود. همچنین به دلیل داشتن جنبه‌های اکولوژیک غنی، رودخانه‌ها نقش مهم و کلیدی را در بقای اکوسیستم شهر ایفا می‌کنند. در دوره معاصر، به واسطه فرایند توسعه و در نتیجه کم‌توجهی به رودخانه‌ها و ظرفیت‌های مکانی آنها در شهرها، پیوند و ارتباط متقابل بین این دو پدیده طبیعی و انسان‌ساز دچار اختلال شده است که در نتیجه آن اغلب رودخانه‌ها به دست فراموشی سپرده شدند. به عنوان مثال، در مواردی برای کنترل و بهره‌برداری هرچه بیشتر و بهتر از رودخانه، این منابع ارزشمند طبیعی کانالیزه شدند و حتی در مواردی با احداث سدهای بی‌شمار بر بالادست، با کاهش سطح آب در آنها ناپدید شده‌اند. به واسطه رویکرد مکان‌محور در توسعه، رودخانه‌ها دیگر فقط به‌عنوان منبع و کالایی مشترک برای توسعه دیده نمی‌شوند، بلکه تلاش می‌شود ابعاد تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی موجود در آنها برجسته شود و از آنها به عنوان ابزاری در راستای توسعه در مقیاس شهری و سرزمینی بهره برده شود.

خوانش منظر

خوانش منظر، بررسی و تحلیل مناظر به عنوان یک سیستم و کل واحد و متشکل از مجموعه‌ای از زیرسیستم‌ها و عناصرهاست. این مفهوم درواقع شامل مطالعه یک منظر به عنوان سندی انسانی-طبیعی است که دربردارنده مؤلفه‌های تاریخی، اجتماعی، طبیعی، فرهنگی و اقتصادی است. خوانش یک منظر معمولا برای درک هویت مکانی یک ناحیه به منظور به‌کارگیری در فرایند توسعه مکان‌محور مبتنی‌بر اصول پایداری در فرایند برنامه‌ریزی آن ناحیه به عنوان محصول تعامل انسان و طبیعت عمل می‌کند. ازاین‌رو بایستی بیان شود که خوانش منظر درواقع گام نخست و زیربنایی برای برنامه‌ریزی در فرایند توسعه مکان‌محور است. خوانش منظرین معمولا متشکل از چندین لایه مطالعاتی است که در کنار یکدیگر ادراک یک منظر را در یک ناحیه جغرافیایی ویژه حاصل می‌کنند. از جمله این لایه‌های مطالعاتی می‌توان به لایه‌های کالبدی و فیزیکی اشاره کرد که در این لایه عموما فرم‌ها و الگوهای فیزیکی زمین در طبیعت و ساختارهای انسانی با تحلیلی زیبایی‌شناسانه برای شناخت تأثیر ادراک آنها بر ذهنیت افراد پرداخته می‌شوند. لایه‌های تاریخی و فرهنگی که در آن لایه‌های تاریخی که در طول زمان در یک مکان ایجاد شده‌اند از طریق تحلیل آثار فرهنگی و تولیدات اجتماعی بازتاب‌یافته در جوامع به کنکاش گذاشته می‌شوند. لایه‌های عملکردی و کارکردی که عموما به چگونگی استفاده انسان‌ها از فضاها و تعامل آنها با محیط به منظور تحلیل تغییرات کاربری زمین و تأثیر آن بر نواحی جغرافیایی متمرکز است. لایه زیست‌محیطی که در این لایه نیز عناصر طبیعی مانند پوشش گیاهی، آب، خاک و اقلیم و همچنین بررسی تأثیرات زیست‌محیطی حاصل از اقدامات انسانی در منظر مورد توجه است.

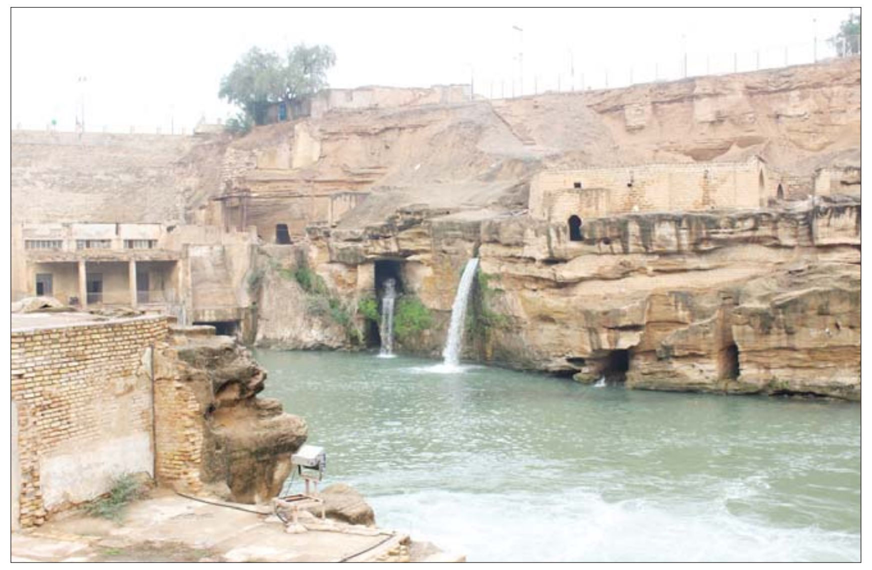

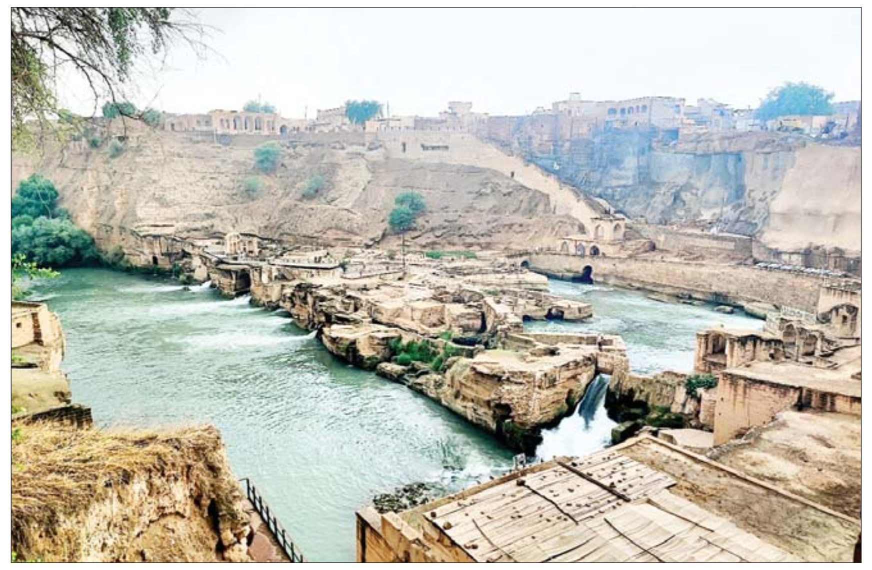

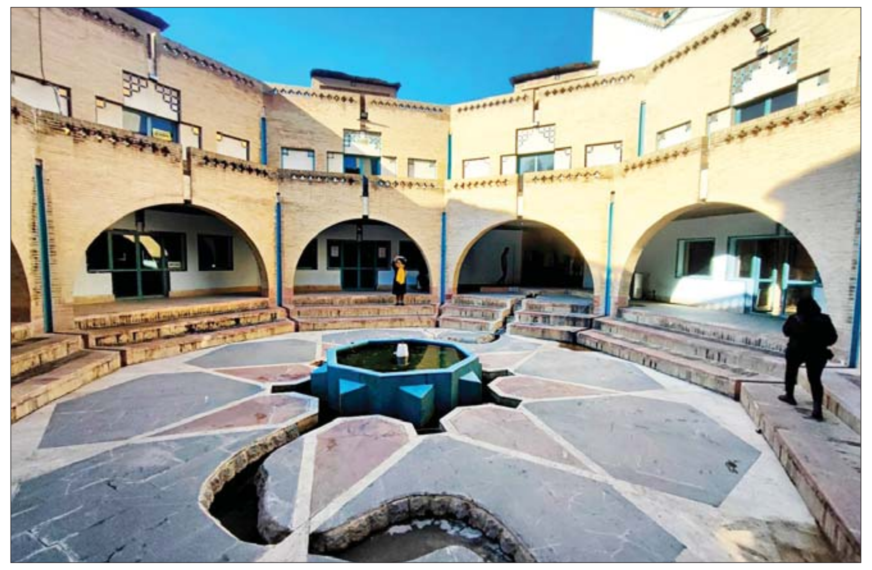

منظر شهری خوزستان؛ مطالعات بافت قدیمی شهرهای دزفول، شوش و شوشتر

در سوگ فراموشی رودخانه‌های تمدن‌ساز

شرق: پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر در یک پروژه تحقیقاتی در پاییز سال جاری به بررسی منظر شهری خوزستان و مطالعات بافت قدیمی شهرهای دزفول، شوش و شوشتر پرداخت. این پروژه تحقیقاتی با حضور چندده کارشناس و پژوهشگر و دانش‌آموخته دانشکده‌های معماری به دنبال پاسخ به این پرسش است که نسبت توسعه در دوران معاصر با ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی منطقه چیست؟

بنا بر سفر پژوهشی آذرماه ۱۴۰۳ با عنوان «خوانش منظرین شهر رودخانه‌های خوزستان» که زیر نظر دکتر سیدامیر منصوری، هیئت علمی دانشگاه تهران برگزار شد، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و استادان حوزه شهر، معماری، شهرسازی و معماری منظر، در کارگروه‌های متنوع به خوانش منظرین از شهر-رودخانه‌های خوزستان پرداختند. هر گروه متناسب با موضوعات پژوهشی تعیین‌شده، شامل زیرساخت‌های آبی، مرکز شهر، کوچه، بازار، فضای جمعی، منظر سبز شهری، قلمرو (لبه) و محله زیر نظر سرگروهی به‌عنوان کارشناس راهبری گروه دست به مطالعه میدانی (شامل بازدید، تهیه مستندات از مکان بازدید، مصاحبه با شهروندان یا مسئولان شهری) و مطالعات کتابخانه‌ای (اسناد و مدارک فنی، تحقیقات و پژوهش‌های پیشینیان، کتب و مقالات و...) زده و به کشف خوانش صحیح، کامل و کاربردی از منظر خوزستان (شهرهای دزفول، شوش و شوشتر) پرداختند. به‌طور کلی آنچه مشهود است، کم‌رنگی اهمیت و ارزش رودخانه در اقتصاد و زیست مردم این شهرهاست. بستر راه تأمین مالی شهروندان از رودخانه فراتر رفته و این باعث شده وجه اقتصادی رود کم‌رنگ شود. از طرف دیگر تغییر سبک زندگی مصرف‌گرایانه است که به طبیعت به‌عنوان یک منبع مواد اولیه یا آبراهه‌ای برای دفع زباله و فاضلاب شهری و در بهترین حالت محلی برای تفریح است. همین کم‌رنگ‌شدن ارزش، اولویت و پتانسیل‌های رودخانه در اذهان است که باعث می‌شود روند توسعه شهر به این لبه طبیعی با ارزش بی‌توجهی کرده باشد و همین امر خود باعث تشدید این بی‌توجهی می‌شود. درصورتی‌که آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، همین رود است. در این پژوهش گروهی، اعضا به وجوه گوناگون خوانش منظر پرداختند. خوانش صحیح منظر باعث می‌شود ارزش پدیده‌ها نمایان شود و سپس با پایه این شناخت است که می‌توان توسعه‌ای کارآمد و بهینه داشت. بارزترین نمود کم‌توجهی به رود، عدم طراحی لبه‌های اطراف رودخانه و قطع دسترسی محلی از بافت به لبه رودخانه با احداث جاده، اتوبان و خیابان‌های ساحلی است. هدف از این پژوهش رسیدن به خوانشی صحیح از منظر است که بتوان بر پایه آن توسعه‌ای مکان‌محور رقم زد.

چرا خوزستان؟

خوزستان، خاستگاه تمدن‌های کهن ایران‌زمین است. آب، دستاویز خدادادی برای بقا در این سرزمین سوزان است. فلاتی که به واسطه حضور رودها، بستر پربرکت زیست شده است. خوزستان نیز از این برکت بی‌بهره نبوده و میزبان تمدن‌های کهن بشری شده است که می‌توانیم آن را یکی از نمودهای برجسته تعامل انسان (فرهنگ) و طبیعت بدانیم. شهرهایی همچون شوش با قدمت تمدن ایلام و آثار تاریخی-فرهنگی فاخر، شوشتر با سازه‌های آبی (ثبت‌شده در یونسکو) که حاصل ادغام نبوغ مهندسی هیدرولیک با زندگی روزمره و دزفول، شهری در کرانه رود دز تماشایی و معماری آجری غنی، تنها بخشی از زیبایی‌ها از زیست تمدن کهن ایرانی در این منطقه است. در این نوشته ضمن گزارش از سفر پژوهشی «خوانش منظرین شهر رودخانه‌های خوزستان» که توسط پژوهشکده نظر در آذرماه ۱۴۰۳ برگزار شد، به اهمیت خوانش منظر شهر-رودخانه‌های خوزستان می‌پردازیم. زمانی می‌توانیم زیست شهری را متناسب با نیازهای روز توسعه دهیم که ارزش‌ها و پتانسیل‌های آن شهر را بشناسیم و درصورتی‌که خوانش درستی از آن نداشته باشیم، ارزش‌های فضا مغفول مانده و توسعه، ناکارآمد خواهد بود.

فراموشی رود

انسان به آب زنده است و همین عامل در کنار دسترسی به زمین مناسب برای کشت یا دامداری (که خود وابسته به وفور آب است)، مهم‌ترین عامل «هست‌شدن» یک تمدن است. شهرهای کهن همگی در کنار آب شکل می‌گیرند تا بتوانند آب آشامیدنی و غذایی برای امرار معاش به دست آورند؛ چراکه این دو از اولین نیازهای حیاتی و اولیه بشر است. ایران با فرهنگی طبیعت‌گرا همواره (پیش و پس از اسلام) بر عنصر آب ارج نهاده است. معابد ساسانی بر آب کرنش می‌کنند و رو به سوی آن دارند. این احترام در حدی است که یکی از مهم‌ترین الهه‌های معتبر پیش از اسلام یعنی آناهیتا، منسوب به آب است. با ورود اسلام رسم تقدیس آب به‌عنوان یک دیدگاه ارزشمند همچنان ادامه پیدا کرد و حال آب به‌عنوان عنصری تطهیرکننده، شرط آغاز عبادت خداوند است.

رودخانه پدیده‌ای چندعملکرده برای زندگی شهرنشینی است. تأمین آب شرب و شست‌وشو، آبیاری کشتزارها و باغات، تعدیل آب‌وهوا و ایجاد خرده‌اقلیم، حمل‌ونقل یا انتقال بار (رونق تجارت)، ماهیگیری، به حرکت درآوردن چرخ آسیاب‌ها، کنترل سیلاب (زهکشی طبیعی) و تفریح، بخشی از وجوه عملکردی رودخانه‌ها هستند. گاهی نیز رودخانه به‌عنوان یک حصار طبیعی از شهر در مقابل دشمن محافظت کرده و توسعه شهر را هدایت می‌کند یا محلات با شخصیت‌های متفاوت را در دو سوی خود جای می‌دهد و مفاهیم هویت‌ساز در راستای خوانایی شهر با عنوان «این طرف رود و آن طرف رود» را می‌سازد. بنابراین در کنار تمام وجوه کارکردی آب (شرب، آبیاری کشتزارها و باغات، حمل‌ونقل، ترانزیت بار، تفریح، ماهیگیری و...)، در برخی تمدن‌ها بار معنایی ویژه‌ای نیز پیدا می‌کنند که به تقدیس و احترام آن منجر می‌شود.

بار معنایی اطلاق‌شده به رود، به واسطه عمق و تعدد ارتباط ساکنان شهر با آن پدیده است. این رودها عامل امرار معاش (اقتصاد)، قرارگاه اجتماعی و بستر پاتوق‌های جمعی شهروندان (اجتماعی)، محلی که شهروندان شهر از آن خاطره مشترک دارند و هویت شهر و خویش را از ارتباط با آن اخذ کرده‌اند (هویتی-فرهنگی) و دیگر موارد غنای فضایی هستند. بنابراین آب حرمت دارد و نباید آن را آلوده کرد.

آب را گل نکنیم

در جنوب کشور، زندگی رو به سمت آب دارد. اقتصاد مردمان، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه‌های زیست افراد در شهر، با آن عجین شده که می‌توان آن را در نقاشی، شعر، داستان‌های محلی، هنرهای دستی، موسیقی، نقوش و دیگر اسناد روشنفکری این منطقه مشاهده کرد. اینها بخش کوچکی از اهمیت رود در اذهان شهروندان جنوب کشور است.

تمدن مردمان جنوب در کنار رود شکل گرفته و شهر متعالی‌ترین نمود مدنیت شهروندان است. این نشان از اهمیت رود در زندگی نیاکان ما داشته است. رودخانه وزنه قدرتمندی است که همچون آهنربا سازمان فضایی شهر را به سمت خود جذب کرده است؛ بنابراین رود، از عناصر ساختاری این شهرهاست. مقابر افراد معتبر همواره در مکانی جانمایی می‌شوند که از پیش مقدس بوده است، بازارها به‌عنوان قطب اقتصادی و مرکز تهیه مایحتاج افراد در مکان پرمخاطب و مهم شکل می‌گیرند، حتی شهروندان برای گذر اوقات فراغت خود نیز به مکان‌های با کیفیت مراجعه می‌کنند. این «مکان با ارزش»، در این شهرها، رودخانه است. زندگی (به‌ویژه اقتصاد) شهرنشینان به آن وابسته است.

نمکدان شکستن

تاریخ خوزستان سراسر حضور آب است. عوامل بسیاری باعث کم‌رنگ‌شدن این ارزش در ذهن شهروندان شده است و این خبر از رخت بربستن رودخانه از اذهان دارد. هنگامی که ارزش پدیده‌ای در ذهن مخاطب کم‌رنگ شود، وی به آن پدیده پشت می‌کند و حتی گاهی برای رسیدن به منافع بیشتر، آن را قربانی می‌کند. سرازیرکردن فاضلاب درون رودخانه بارزترین نشانه بی‌توجهی به ارزش آبی است که عامل به وجود آمدن شهرهای این منطقه شده است. رودخانه‌های پربرکتی که زیست را امکان‌پذیر، حمل‌ونقل را تسهیل، شکم‌ها را سیر و شهرها را رونق دادند.

توسعه بهینه؛ توسعه برآمده از بستر

شاید بدیهی انگاشته شود، اما توسعه تنها در صورتی بهینه خواهد بود که به بستر، پتانسیل‌ها (فرصت‌ها) و موانع (تهدیدها) بی‌توجهی نکند. چنین توسعه‌ای، «توسعه مکان‌محور» نام دارد؛ توسعه‌ای برآمده از همان مکان و متناسب با آن. اما نائل‌شدن به آن در کنار سهلی‌نظری، در عمل ممتنع است. فارغ از دلایل بسیار آن، در اغلب موارد خوانش نادرست، ناقص، سلیقه‌ای، متعصبانه، غرض‌ورزانه، منفعت‌طلبانه، غیرکارشناسی یا از راه دور (غیرمیدانی) و آرمانی، در بدو شروع شناخت (فاز مطالعات) از بستر طرح و برنامه، موجب خطاهای بعدی شده است. خوانش صحیح مانند تشخیص درست بیماری، اگر نگوییم از خود درمان مهم‌تر است، به قطع اهمیت کمتری ندارد. چنین رویکردهای نادرستی باعث شده روند توسعه شهرهای خوزستان به رودخانه هستی‌بخش پربرکت پشت کنند و همین امر به مرور ارزش رودخانه را کم جلوه داده است. در کنار این نکته بسیار مهم، کم‌شدن میزان درگیری اغلب شئون زندگی شهروندان با رودخانه نیز بی‌تأثیر نیست که آن هم می‌تواند از عدم شناخت صحیح پتانسیل‌های بستر طرح و برنامه باشد. بنابراین برای هر اقدامی درباره شهر از جزء تا کل، از جنس برنامه و مدیریت تا طرح و پروژه باید ابتدا بستر را صحیح خوانش کرد و سپس متناسب با ویژگی‌ها و کمبودهای آن، توسعه‌ای مکان‌مند درخور و متناسب با نیازهای بستر و شهروندان ارائه داد که بی‌شک رودخانه (چه عملکردی و به‌ویژه معنایی-هویتی) در توسعه شهری خوزستان باید نقش پررنگ‌تری داشته باشد. در همین خصوص با گروهی از کارشناسان این پروژه تحقیقاتی به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که شرح آن در ادامه می‌آید.

مفهوم خوانش منظرین و ضرورت آن

مهدی حسین‌زاده، پژوهشگر دکتری معماری منظر دانشگاه تهران و از دیگر اعضای این تیم تحقیقاتی، می‌گوید: منظر شهری، به‌عنوان ادراک شهروندان از شهر، بازتابی از هویت، تاریخ و فعالیت‌های اجتماعی مکان است. خوانش منظرین، فرایندی برای تحلیل و تفسیر ابعاد مختلف پدیدآورنده شهر به‌مثابه یک کلیت واحد است. این رویکرد با تأکید بر پیوند میان اجزا و مفهوم کل، شهر را به‌عنوان سیستمی منسجم می‌نگرد و به درک صحیح از عناصر و ساختارهای شهری کمک می‌کند. همچنین با تحلیل عناصر، واحدها و موارد مختلف منظر شهری، ازجمله کالبد، فعالیت‌ها و معانی، زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی‌های هدفمند و پایدار فراهم می‌آورد. نتایج این رویکرد شامل هماهنگی میان اجزا و کلیت شهر، تقویت هویت مکان، ارتقای حس تعلق شهروندان و بهبود پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی است.

شهر دزفول: هویتی ویژه در منظر شهری

او همچنین افزود: دزفول با پیشینه تاریخی غنی و معماری بومی منحصربه‌فرد، یکی از نمونه‌های برجسته از شهرهایی است که هویت و استعدادهای مکانی قوی دارند. معماری آجری این شهر، بازارهای سنتی، بافت تاریخی و پل‌های باستانی، عناصر کلیدی منظر شهری دزفول را تشکیل می‌دهند. با این حال در دهه‌های اخیر، مداخلات شهری ناهماهنگ و بی‌توجه به ویژگی‌های مکانی، آسیب‌های جدی به هویت و منظر شهری این شهر وارد کرده‌اند.

رودخانه دز، به‌عنوان عنصر کلیدی در ساختار فضایی و منظر دزفول، نقشی اساسی در شکل‌گیری و توسعه شهر داشته است. این رودخانه نه‌تنها منبعی برای زیست‌بوم شهر است، بلکه هویتی فرهنگی و اجتماعی برای آن فراهم می‌کند. حفظ نقش رودخانه دز و ارتقای کارکردهای آن در سازمان فضایی شهر، از الزامات توسعه مکان‌محور دزفول است.

چالش‌های توسعه مکان‌محور در دزفول

او درباره شهرستان دزفول خاطرنشان کرد: توسعه شهری دزفول با چالش‌هایی مانند تخریب بافت تاریخی، توسعه ناهماهنگ و بی‌توجهی به عناصر منظر شهری مواجه بوده است. این چالش‌ها منجر به کاهش کیفیت زیست‌پذیری، ازدست‌رفتن هویت مکانی و ناپایداری اجتماعی و محیطی شده‌اند. برای مثال، تمرکز صرف بر تعریفی غلط از توسعه با احداث معابر شهری، اگر بدون توجه به تعادل و ساختار کلی شهر انجام شود، می‌تواند خطراتی ازجمله ناپایداری و آسیب به هویت تاریخی شهر را به دنبال داشته باشد. توسعه متوازن و هماهنگ، که براساس شناخت عمیق از منظر شهری و ویژگی‌های مکانی دزفول انجام شود، راهکاری برای غلبه بر این چالش‌هاست.

غفلت در شهرسازی و معماری خوزستان

یکی از مهم‌ترین کمبودها در شهرسازی و معماری خوزستان، نادیده‌گرفتن هویت مکانی و استفاده از رویکردهای جزءنگر در توسعه سرزمینی و شهری بوده است. این مسئله به‌ویژه در تعامل با رودخانه‌ها به‌عنوان استعدادها و عناصر کلیدی سرزمینی و شهری نمود بیشتری دارد. بی‌توجهی به ارزش‌های اکولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی رودخانه‌ها، کیفیت زندگی شهری و پایداری محیطی را تحت تأثیر قرار داده است.

نقش کنونی رودخانه‌ها در زندگی روزمره

درحال‌حاضر رودخانه‌ها به جای ایفای نقش فعال در ارتقای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به عناصری منفعل و جداکننده در سازمان فضایی شهرها تبدیل شده‌اند. بهره‌برداری نادرست، آلودگی محیط‌زیستی، ورود پساب‌ها و نبود برنامه‌ریزی مؤثر، این منابع طبیعی ارزشمند را از محور توسعه شهری دور کرده است. رودخانه‌ها که می‌توانند به‌عنوان کانون‌هایی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و هویت مکانی عمل کنند، اکنون در بسیاری از مناطق خوزستان به تهدیدات زیست‌محیطی تبدیل شده‌اند.

ظرفیت‌های توسعه‌ای مغفول رودخانه‌ها

حسین‌زاده خاطرنشان کرد: رودخانه‌ها دارای ظرفیت‌های اکولوژیکی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای هستند. این ظرفیت‌ها شامل امکان ایجاد فضاهای عمومی پویا، تقویت گردشگری شهری، افزایش تعاملات اجتماعی و برقراری پیوند پایدار میان شهر و طبیعت است. با این حال ضعف مدیریتی و نبود رویکردی کل‌نگر در برنامه‌ریزی و مداخلات، مانع از بهره‌برداری مناسب از این ظرفیت‌ها شده است. استفاده نادرست از رودخانه‌ها در روند توسعه شهری و نادیده‌گرفتن نقشی که این منابع می‌توانند در بهبود کیفیت زندگی داشته باشند، نتیجه‌ای جز ناپایداری و کاهش جذابیت شهری نداشته است.

او در ادامه می‌گوید: مدیریت شهری در خوزستان عمدتا بر توسعه کالبدی و ایجاد زیرساخت‌ها متمرکز است و به جنبه‌های هویتی، منظرین و زیست‌محیطی کمتر توجه دارد. این رویکرد کوته‌نگرانه موجب ناپایداری توسعه، کاهش کیفیت محیط شهری و تضعیف تعاملات انسان و طبیعت شده است. بسیاری از پروژه‌های توسعه شهری در خوزستان با نادیده‌گرفتن ویژگی‌های بومی و اکولوژیکی، هویت فرهنگی و اجتماعی این مناطق را به خطر انداخته‌اند. این مسئله نیازمند بازنگری جدی در اولویت‌های توسعه و برنامه‌ریزی‌های شهری است. رویکرد کنونی به بهره‌برداری از رودخانه‌ها، بیانگر بی‌توجهی به نقش محوری آنها در حفظ اکوسیستم شهری و ایجاد تعاملات اجتماعی است. آلودگی گسترده رودخانه‌ها، تغییرات اقلیمی و کاهش تنوع زیستی ناشی از برنامه‌ریزی‌های ناکارآمد، تهدیدی جدی برای پایداری شهری به شمار می‌آید. ضرورت دارد که بازنگری در سیاست‌های توسعه شهری با تأکید بر حفظ منابع طبیعی و تقویت هویت مکانی به‌عنوان اولویت اساسی مورد توجه قرار گیرد. ازاین‌رو باید سیاست‌های جدیدی برای مدیریت بهینه منابع آبی، تقویت هم‌گرایی شهر و رودخانه و بهره‌برداری پایدار از این منابع در دستور کار قرار گیرد.

ضرورت ورود دانشگاه‌ها به موضوع

دانشگاه‌ها به‌عنوان مراکز تولید دانش و تربیت نیروی متخصص، نقشی کلیدی در ارائه راهبردهای علمی و عملی برای احیای رودخانه‌ها و سازمان فضایی شهرها دارند. ورود دانشگاه‌ها می‌تواند در قالب تدوین و ارائه راهبردهای حفاظتی و توسعه‌محور تحقق یابد. در این زمینه، دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق پژوهش‌های کاربردی و مشارکت در طرح‌های اجرائی، تأثیر درخورتوجهی در بهبود وضعیت رودخانه‌ها و شهرهای استان داشته باشند. همچنین می‌توانند با آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه، نقش مهمی در تغییر نگرش‌ها و فرهنگ عمومی درباره منابع طبیعی ایفا کنند.

راهبردهای حفاظتی

او درباره نتایج مطالعه‌ای که انجام شده، بیان کرد: این مطالعه در نهایت، راهبردهای پیشنهادی را در دو دسته اصلی ارائه می‌دهد: نخست، بازتولید و تقویت لایه‌های معنایی شهر و حفاظت از هویت فرهنگی و تاریخی رودخانه‌ها ازجمله مواردی است که دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی برای حفظ و بازآفرینی آن نقش‌آفرینی کنند.

دوم، تدوین برنامه‌هایی برای حفاظت از منظر بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی، به‌ویژه درباره رودخانه‌ها که یکی از اولویت‌های این حوزه است.

راهبردهای توسعه‌محور

از طریق خوانش منظرین می‌توان با شناخت کلیت شهر و عناصر سازنده و استعدادهای مکانی آن، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌هایی برای ارتقای زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شد. این راهبردها شامل سازمان‌دهی فضاهایی برای تعامل اجتماعی، افزایش سبزینگی و طراوت محیطی متناسب با اقلیم منطقه و طراحی فضاهای نفوذپذیر به رودخانه برای حضورپذیری و فعالیت‌های اجتماعی است. مشارکت میان دانشگاه‌ها و نهادهای اجرائی، ضمن ارائه تحلیل‌های دقیق ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار و همگام با حفظ هویت مکانی و زیست‌محیطی شود.

سوءمدیریت شهری در مدیریت منظر شهری دزفول

دکتر ریحانه خرم‌رویی، متخصص معماری منظر، با اشاره به بی‌توجهی‌ها به ظرفیت‌های مکان در مدیریت شهری دزفول به خبرنگار «شرق» گفت: شهرستان دزفول که یکی از شهرستان‌های استان خوزستان است، با شکل‌گیری ساختار و هندسه شهری در حاشیه رودخانه دز مکان‌یابی شده است. از لحاظ توپوگرافی شهر دزفول به سه ناحیه کوهستانی، کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تقسیم‌بندی شده است. ساختار خطی بافت قدیم شهر دزفول که در امتداد رودخانه دز شکل گرفته، سلسله مراتب مقامی را ایجاد کرده که براساس توپوگرافی حاصل از تلفیق زمین و آب نه‌تنها از نظر شکل و کالبد، بلکه به لحاظ معنایی نیز پدیدآورنده مفهومی است که القاگر نظام دفاعی در شهر است، به گونه‌ای که قلعه دفاعی در بالادست رود و خانه‌های شهروندان در پایین‌دست قلعه واقع شده است. این نگاه سیستماتیک که به‌مثابه پدافند غیرعامل در ساختار شهری عمل کرده، بافت قدیم شهر دزفول را به یک کل منسجم و قلمرو مکانی تبدیل کرده که با گذشت سال‌های متمادی همچنان به فعالیت خود ادامه داده است. اما با توسعه شهر از یک سمت رودخانه به سمت دیگر و بی‌توجهی به شیب‌بندی زمین در خیابان‌ها و معابر، بی‌توجهی به مصالح بومی در کف‌سازی معابر، اصلاح‌نشدن هندسی جوی‌های آب، بی‌توجهی به حوزه کاشت گیاهان بومی در معابر و فضاهای عمومی و اغلب فضاهایی که با کاشت گیاه از فرسایش خاکی و آبی جلوگیری می‌شود، همگی نشان‌دهنده سوءمدیریت شهری در مدیریت منظر شهری دزفول است که در مواجهه با پدیده سیل یا رگبارهای شدید منجر به آسیب‌رسیدن به بافت شهر می‌شود. در گذشته با توجه به ساختار مورفولوژی زمین و اثر رودخانه بر آن مکان‌یابی شهر به حالت پدافند غیرعامل درآمده که همسو و همگام با نیازهای مردم و نیازهای اقلیمی بوده است. توجه به شیب زمین برای دفع آب‌های سطحی و هدایت آنها به رودخانه و همچنین ایجاد دید و منظر مناسب به رودخانه ساختار شهری را ساختاری باکیفیت و با هویت کرده بود اما امروز با نگاه توسعه‌گرایانه (ساختاری و کالبدی) و بی‌توجهی به مناظر طبیعی و زیرساخت‌های شهری، مشکلات عدیده‌ای در مواجهه با بلایای طبیعی اعم از سیل ایجاد شده است. به نظر می‌رسد با توجه به بقایای شهر دزفول، از دوره ساسانی تاکنون و نوع نگاه پیشینیان به مسئله پدافند غیرعامل بتوان رویکردهای مدیریت شهری مبنی‌بر کنترل سیلاب‌ها را به سمت پدافند غیرعامل پیش برد. همان گونه که در گذشته توجه به بافت و بستر زمین در ارتباط با رودخانه مکانمندی شهر را تحت تأثیر قرار می‌داد، می‌توان با نگاه پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌پذیری منظر شهری با بهره‌گیری از رویکردهای جدید مدیریت بحران (از قبیل پدافند غیرعامل که می‌تواند در ایجاد محیطی ایمن در شهرها مؤثر واقع شود) برنامه‌ریزان و مدیران شهری را درصدد اجرای پدافند غیرعامل در شهر دزفول سوق داد. بر این اساس اقدامات مبتنی‌بر پدافند غیرعامل در کالبد شهر (معماری و سازه)، تأثیر چشمگیری در کاهش آسیب‌پذیری شهر، عناصر شهری و تسهیل در کنترل بحران شهری داشته و میزان مقاومت شهروندان را در شرایط تهاجم و عوامل مخرب طبیعی به حداکثر می‌رساند. بر این اساس برنامه‌ریزان پدافند شهری برای کاهش ریسک یا دچارشدن به خطر و افزایش تاب‌آوری و مقاومت، باید اقدامات پیشگیرانه را به کار گیرند و از توسعه بی‌برنامه در شهر خودداری کنند.

مشتی نشانه خروار: عناصر با ارزش خوانش منظر

محمدرضا سرتیپی، پژوهشگر دکتری معماری منظر به واکاوی دلایل شکل‌گیری هسته شهرهای باستانی خوزستان پرداخت و گفت: شناخت منظر یک سرزمین، یعنی آنچه زمین (هر زمینی) را به «سرزمین» (بخشی از زمین با شخصیتی منحصربه‌فرد) تبدیل می‌کند. زمین، زمین خداست اما آنچه بخشی از آن را در یاد و خاطره اهالی به خطه خوزستان، شهر شوش، شوشتر، دزفول و یا هرجای دیگر تبدیل می‌کند، ورای از خشت و آجر، آب و گیاه است. هم اینهاست و هم اینها به‌تنهایی نیست. آجر، مصالح غالب و بوم‌آورد فلات ایران است. مصالحی با ویژگی‌های متناسب با این دیار که بناهای باشکوه فراوان به دفتر تاریخ ایران به یادگار گذاشته است. اما چه می‌شود دزفول شهر آجر نام می‌گیرد؟ آب و رودخانه عامل اصلی هستی‌بخش اغلب شهرهای ایران است که با جلوه‌های گوناگون از آن استفاده شده است، اما چه می‌شود که شوشتر را به سازه‌های آبی آن به جهانیان نمایش داده‌ایم؟ آنچه عامل ممیزه مکان‌ها نسبت به یکدیگر است، حاصل ادراک مشترک شهروندان از آن مکان است. به نوعی که گویا همگان آن مکان را با آن صفت و شخصیت خاص به رسمیت می‌شناسند. ادراک مشترک خود حاصل مواجهه مخاطبین با عناصر واحد است. عناصری که به آن مکان اختصاص دارند و در ترکیب این عناصر در کنار هم، یک چندنگارانه مانند یک قالی پدید می‌آید که حال به همان مکان اختصاص دارد. این همان شخصیت منحصربه‌فرد آن مکان است که در اذهان می‌ماند.

آجر؛ جشنواره‌ای از جزئیات: حضور آجر در تنوع جلوه‌های بی‌نظیر که مشابهش اگر نگوییم نایاب اما کمیاب است. آجری که گویا از کف تا آسمان همچون جامه روی کالبد بناها دویده و با فخرمدین (مشبک‌های آجری) سر به فلک کشیده. این تک‌فام‌بودن مصالح کوچه‌ها در نگاه اول شاید خسته‌کننده و برای آدرس‌پذیری کوچه‌ها ناخوانا به نظر برسد درصورتی‌که مونوتن‌بودن مصالح در کنار تنوع هنر آجرچینی جمع اضداد فاخر معماری دزفول را رقم زده است. قالی منحصربه‌فردی که در جای دیگر هستی یافت نمی‌شود و این همان هویت یکپارچه دزفول است. مزیتی که با قدم‌زدن در بافت قدیمی کوچه‌های دزفول به چشم می‌خورد، عدم تغییر خط آسمان بام‌ها در ترکیب پیش‌آمدگی و فرورفتگی بر املاک است. آنچه در اغلب شهرها با تیغ برنده تسهیل تردد اتومبیل و طرح تفصیلی، هم‌باد هم شده‌اند. بنابراین این تنوع جزئیات آجر است که آجر را به مفهومی جدید آغشته کرده و از طرف دیگر دزفول را شخصیتی منحصربه‌فرد (شهر آجری) ارزانی داشته است.

درخت کُنار؛ لشکر یک تنه: دیگر عنصر منظر این خطه، درخت کُنار است. تک‌درختی سایه‌گستر اما دارای بافتی که باد را از خود عبور می‌دهد تا مانع عبور کوران هوا نشود. این کنار همچون مجسمه‌ای فاخر، تک دیده می‌شود. یکه‌تازی میان غوغای آجرها که گه‌گاهی می‌توان تاج آن را سربرافراشته از دیوار خانه‌ها دید. هرچند مانند اغلب کج‌سلیقگی و کج‌فهمی‌ها این میراث گران‌بها نیز مغفول مانده و با گیاهان و درختان غیربومی جایگزین شده است. بنابراین تنها عناصر کالبدی نیست که قابل تعمیم و هویت‌ساز است، بلکه عناصر سبز نیز می‌تواند به‌خوبی یادآور هویت این خطه باشد.

محوطه‌های باستانی؛ یک دنیا تاریخ: از سوی دیگر، این منطقه میراث‌دار محوطه و بناهای تاریخی کهن است. چغازنبیل و یکی از مهم‌ترین مقرهای دودمان هخامنشی، کاخ آپادانا در شوش واقع است، از محوطه‌های باستانی تمدن ایران است. حتی قلعه استعمارگران که روزی برای چپاول میراث این سرزمین ساخته شده و ردپای کتیبه‌های چغازنبیل با خط میخی بر آن را می‌توان یافت، اکنون به عنصری در حوزه گردشگری بدل شده که یکی دیگر از پتانسیل‌های منطقه است. بند شادروان و یا پل قدیمی دزفول که نقل است وجه تسمیه دزفول نیز قرابتی با آن دارد (دزفول ترکیبی از دژ و پل بوده که اشاره به تأسیسات نظامی محافظت از پل داشته است) از دیگر میراث کهن خوزستان است. بنابراین میراث کهن معماری نیز یکی دیگر از عناصر با ارزش منظر خوزستان است که باید شناخت.

اماکن مقدس؛ گنبد اُرچین، همسایه رود: مقابر و اماکن آیینی-مذهبی یکی دیگر از مکان‌های با ارزش منظر یک خطه‌اند. داستان‌هایی که این امکان در طول تاریخ بر دوش خود حمل می‌کنند، گویای اهمیت و عمق خاطره جمعی در اذهان مخاطبان است. نکته حائز اهمیت آن این است که در اغلب نمونه‌های این شهرها این اماکن در مجاورت رود جانمایی شده‌اند و می‌دانیم فرد متوفی گران‌قدر را در مکانی با ارزش دفن می‌کردند، چه جایی با ارزش‌تر از رود حیات‌بخش منطقه؟ امامزاده رودبند دزفول و مقبره دانیال نبی در شوش، هردو با داستانی از رود عجین شده‌اند. نه‌تنها مجاورت در نزدیکی رود، بلکه فرم منحصربه‌فرد آناناسی‌شکل گنبدهای آنها (گنبد اُرچین)، از عناصر منظرین هویت‌بخش منطقه است که به نوعی امضای این خطه است. بنابراین آیین‌ها نیز در اذهان جایگاه ویژه دارد که با ایجاد معانی گسترده با ابزار داستان، نقش مهمی در هویت‌بخشی منظر منطقه ایفا می‌کنند.

قمش؛ توزیع حیات در دل شهر: آب فقط روی زمین جریان ندارد. هوا که گرم است و رودخانه نیز محدوده‌ای از شهر را پشتیبانی می‌کند. راهکار هوشمندانه احداث سیستم هدایت آب در زیرزمین (مانند کاریز و قنات) به نام «قمش» است. قمش‌ها منبع ذخیره آب برای شست‌وشو، آشامیدن، پخت غذا، استحمام و... بوده است که هم در حفر آن و هم در سازماندهی زمان استفاده برای هر عملکردی، سیستم پیشرفته متناسب با زندگی روز خود تعبیه شده بود. این سیستم هدایت آب در زیرزمین، فارغ از تمام مزیت‌ها که بیان شد، آب را به دورتر از رودخانه نیز هدایت می‌کند.

شبکه شوادان‌ها؛ شهری زیرزمینی: زیست در خطه نامساعد، ساکنش را به خلاقیت وادار می‌سازد. سیستم زیرزمین‌های عمیق به نام «شوادان» نه‌تنها ساکنین منازل را از گرمای شدید جنوب کشور در امان می‌دارد، در زمان حمله دشمن، به عنوان پناهگاهی امن از جان‌ها محافظت می‌کند (مانند کارکرد پناه‌گاهی شوادان‌ها در زمان جنگ تحمیلی) و همچنین با اتصال آنها به یکدیگر شهری زیرزمینی ایجاد کرده است.

سازه‌های آبی؛ پیوند تکنولوژی و طبیعت: سخن درباره سازه‌های آبی که یکی از شناخته‌شده‌ترین جاذبه‌های گردشگری نه‌تنها خوزستان، بلکه ایران است، نشان‌دهنده نبوغ مهندسی و تطبیق نیاز روز با طبیعت در زندگی مسالمت‌آمیز با آن بوده است. این سازه‌های آبی که در شوشتر نیز دیده می‌شود، از عناصر منظرین منحصربه‌فرد این خطه محسوب می‌شود.

اینها بخش کوچکی از شکوه این شهرها بود. عناصر منظرین هر منطقه را باید به‌خوبی شناخت تا بتوان برای آن تصمیم گرفت. این عناصر منظرین است که هویت و شخصیت مکان و به واسطه آن هویت شهروندان آن مکان را می‌سازد.

در طرح پژوهشی «رویکرد مکان‌محور در برنامه آمایش سرزمین؛ مطالعه موردی؛ نقش سازه‌های آبی در تعامل رودخانه با شهرهای شوش، شوشتر و دزفول» با رویکرد توسعه مکان‌محور، بر خوانش ظرفیت‌های گردشگری، زیرساخت‌های آبی شهرهای خوزستان و نقش آنها بر سازمان فضایی شهر-رودخانه‌های این خطه تأکید شده است. نگاه کل‌نگر به مسئله توسعه و تبیین علمی آن در بخش‌های مختلف، اساس رویکرد مکان‌محور به شناخت ظرفیت‌های سرزمینی در تحقق برنامه‌های پیشرفت کشور، هدف پژوهشکده نظر در این پژوهش است. ارائه تصویری یکپارچه، سرزمینی، آسیب‌شناسانه و راهبردی از ظرفیت‌ها و موانع توسعه شهر-رودخانه‌ها در جغرافیای خوزستان، محصول اصلی این طرح است. برنامه‌ریزی رویدادها و انتشار و ترویج دستاوردهای مطالعه، رویکرد نوین توسعه در کشور را تقویت می‌کند. بر بنیاد حاصل از مطالعه یکپارچه و سرزمینی «توسعه مکان‌محور» می‌توان فهرستی از اقدامات ضروری و پیش‌رو در حوزه‌های مرتبط را تنظیم کرد و به عنوان دستور کار آینده قرار داد.

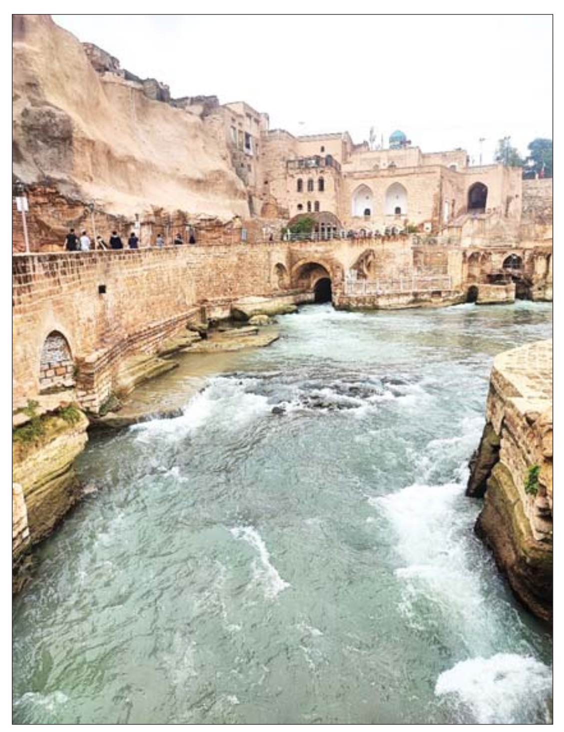

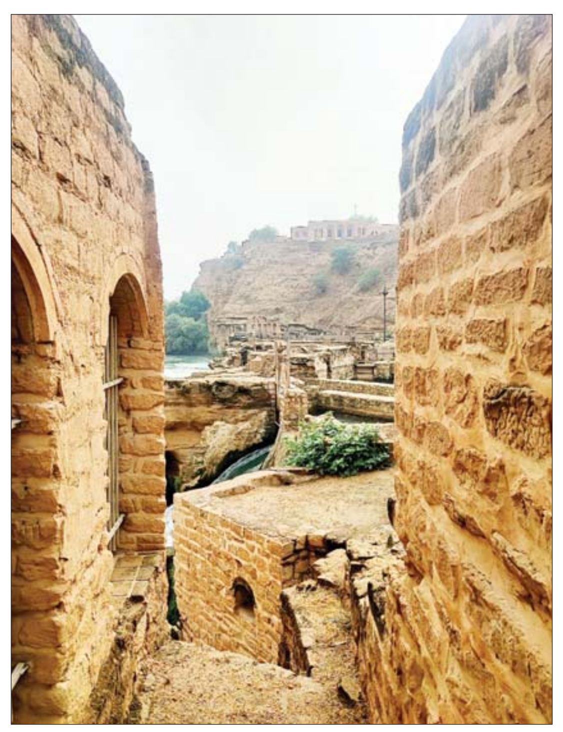

یادداشت

خوزستان بدون رودخانه

فرنوش مخلص
دانش‌آموخته دانشگاه پاریس

استان خوزستان با تمدن کهن، شهر-رودخانه‌های مهم ایران را در خود جای داده است. رودخانه‌های بزرگ همچون کارون، دز و کرخه و تنوع جغرافیایی و فرهنگی خوزستان، این استان را به مهد تمدن با ظرفیت کلان توسعه تبدیل کرده است. از گذشته‌های دور، شهرهای تاریخی خوزستان از جمله شوش، شوشتر و دزفول، به عنوان نمونه‌های ارزنده تعامل انسان و طبیعت، نمونه‌های برجسته‌ای از همزیستی شهر با رودخانه را پدید آورده است. از طرف دیگر، رودخانه‌ها در این شهرها محور ادراک شهر بوده و کارکردهای مختلف شهری، سازمان فضایی و منظر شهری را سامان می‌دهند. علاوه‌برآن، رودخانه‌ها دالان‌هایی برای مواجهه با طبیعت از نظر حسی و معنایی به شمار می‌روند و فرصتی ارزشمند برای توسعه فعالیت‌های اوقات فراغت شمرده می‌شوند. همچنین به دلیل دارابودن جنبه‌های اکولوژیک غنی، نقش مهمی را در بقای اکوسیستم شهر ایفا می‌کنند.

در سال‌های اخیر، کم‌توجهی به نقش سازه‌های آبی و ظرفیت‌های مکانی این استان موجب شده است که از پتانسیل‌های بالقوه آن در توسعه پایدار و برنامه‌ریزی سرزمینی استفاده کافی نشود و از طرفی توسعه شهرهای مذکور همسان با سایر شهرهای ایران و مستقل از رودخانه‌ها در نقش بستر شکل‌گیری‌شان انجام می‌شود. عموم توسعه پشت به رودخانه و مستقل از آن برنامه‌ریزی شده است. نتیجه این نگاه ابزاری به رودخانه‌ها، در ارتباط آن با بافت تاریخی و ایزوله‌شده شهرهایی چون شوشتر و شوش قابل تأمل است. برنامه‌ها و طرح‌هایی که عموما دو بعد دارند: گردشگری و بهره‌برداری صنعتی از بستر رودخانه‌های خوزستان مانند سدسازی‌های متعدد در مسیر آب. سازه‌های آبی شوشتر در کدام بخش زیست امروز این شهر کارکرد دارد و معیشت‌های وابسته به آن چگونه به‌روزرسانی شده‌اند؟ بافت‌های محله‌ای چه ارتباطی با آب و مسیر رودخانه دارند؟ سؤالاتی که در مدیریت این شهرها در فرایند توسعه بی‌پاسخ مانده و نقشی برای آنها تعریف نشده است.

رودخانه‌های مذکور از نظر تاریخی عاملی کلیدی در مکان‌یابی و توسعه شهرهای بومی و تاریخی خوزستان بوده‌اند. به همین دلیل، شهر و رودخانه، از نظر تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، شهرنشینی و زیست‌محیطی همواره دارای رابطه مستقیم با یکدیگر بوده‌اند.

در دوره معاصر، کم‌توجهی به نقش سازه‌های آبی و ظرفیت‌های مکانی رودخانه‌ها در این شهرها موجب شده برنامه‌ریزی سرزمینی مغفول واقع شوند. بعد معنایی و کارکردی رودخانه در شکل‌گیری و ساماندهی شهر-رودخانه به‌ویژه در شهرهای شوش و شوشتر به بعدی خاطره‌ای برای جذب گردشگر تنزل یافته است. آنچه در زندگی امروز این شهرها قابل توجه است، افتراق کارکردی و هویتی آنها با رودخانه همجوارشان است. بستری که عامل مهم شکل‌گیری در ساماندهی تمدنی و کارکردی این سرزمین بوده، امروز فقط به بعدی زیست‌محیطی و عاملی صنعتی در شهرهای همجوار آن بدل شده است.

این پیوند و ارتباط متقابل بین این دو پدیده طبیعی و انسان‌ساز با توسعه صنعتی و رشد شهرهای ماشین‌محور امروز، دچار اختلال شده که در نتیجه آن، به واسطه رشد فعالیت‌های صنعتی، رودخانه‌ها با هویتی و کارکردی که داشته‌اند به دست فراموشی سپرده شدند. اقداماتی چون کنترل و بهره‌برداری بیشتر از رودخانه، عامل مهمی در کانالیزه‌شدن و کاهش سطح آب و جدایی وابستگی شهرها با آن بوده است. فعالیت‌های آبی شهرهایی مانند شوشتر که مهد سازه‌های آبی ایران است، در زیست شهری به دست فراموشی سپرده شده و تنها عاملین میراث فرهنگی و محققین محدود این حوزه درباره کارکردهای آبی شوشتر و ارزش‌های هویتی و کارکردی آن آگاهند. اگرچه سطح آگاهی این ارگان نیز به صورت تأکید بر حفظ شکل این سازه‌هاست و نقش مفیدی در بهره‌برداری و تداوم زیست طبیعی آن با شهر ندارند.

از طرفی، براساس چشم‌اندازهای بلندمدت توسعه خوزستان در سند آمایش سرزمین نیز، به نظر می‌رسد رویکردهای مطرح‌شده عمدتا بر جنبه‌های فنی بهره‌برداری از آب تمرکز داشته و کمتر به ظرفیت‌های سرزمینی و ارزش‌های مکانی استان به عنوان محور تبیین راهبردها توجه شده است. راهبردهای سند، اگرچه در ظاهر جامع و گسترده هستند، در عمل برخی از ابعاد توسعه پایدار، از جمله محیط زیست، مشارکت جوامع محلی و حفظ میراث فرهنگی را به حاشیه برده‌اند.

بنابراین ماهیت این شهرها مستقل از رودخانه درحال توسعه است. آنچه از هویت رودخانه در منظر شهرها خوانش می‌شود، در بافت‌های تاریخی و در ابعاد گردشگری و صنعتی مورد توجه بوده و تعامل شهروندی و زیست شهری به حداقل رسیده است.

خوزستان نه‌تنها به دلیل منابع غنی نفت و گاز، بلکه به سبب فرهنگ غنی، صنایع دستی، کشاورزی و معماری تاریخی‌اش، دارای قابلیت‌هایی است که می‌تواند الگویی برای توسعه پایدار در سطح ملی باشد. رودخانه‌ها و نقش آنها در توسعه شهرهای تاریخی این استان، نمونه‌های برجسته‌ای از این قابلیت‌ها هستند که مردمان این سرزمین با شناخت ظرفیت‌های موجود توسعه تمدنی سکونتگاها و ساختار اقتصادی و زیستی خود را حول این ساختار تعریف کرده‌اند؛ رودخانه‌ها از دیرباز، زیرساخت‌های طبیعی خوزستان برای سکونت، کشاورزی، صنعت و انتقال فرهنگ بوده‌اند.

بااین‌حال، در برنامه‌ریزی‌های سرزمینی معاصر، توجه به این زیرساخت ارزشمند مغفول مانده و از اولویت محورهای توسعه براساس ظرفیت بیرونی و افزوده تعریف شده‌اند که نتیجه آن جز چالش‌هایی‌های امروز شهرهای خوزستان نیست. نبود درک عمیق از مفهوم مکان و اهمیت آن در برنامه‌ریزی، موجب شده است رویکردهای توسعه‌ای در استان خوزستان نتوانند تعادل مناسبی میان انسان، طبیعت و زیرساخت‌های تاریخی برقرار کنند.

رویکرد مکان‌محور در برنامه‌ریزی سرزمینی، راهکاری حیاتی برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی استان خوزستان است. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی کشور بر اهمیت ویژه این استان، ضروری است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با تغییر نگاه به منابع طبیعی و زیرساخت‌های تاریخی، توسعه‌ای پایدار و متوازن را در خوزستان محقق کنند.

تحقق توسعه پایدار در خوزستان، نیازمند تغییر نگاه برنامه‌ریزان از رویکردهای سنتی به رویکردهای مکان‌محور است. این تغییر رویکرد برپایه شناخت این نظریه و تبیین ظرفیت‌های مکانی استان ممکن می‌شود. فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت رودخانه‌ها و ایجاد درکی عمومی از شهر رودخانه‌ها به عنوان زیرساخت منظرین و دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، میراثی و گردشگری گامی حیاتی در این راستاست.